

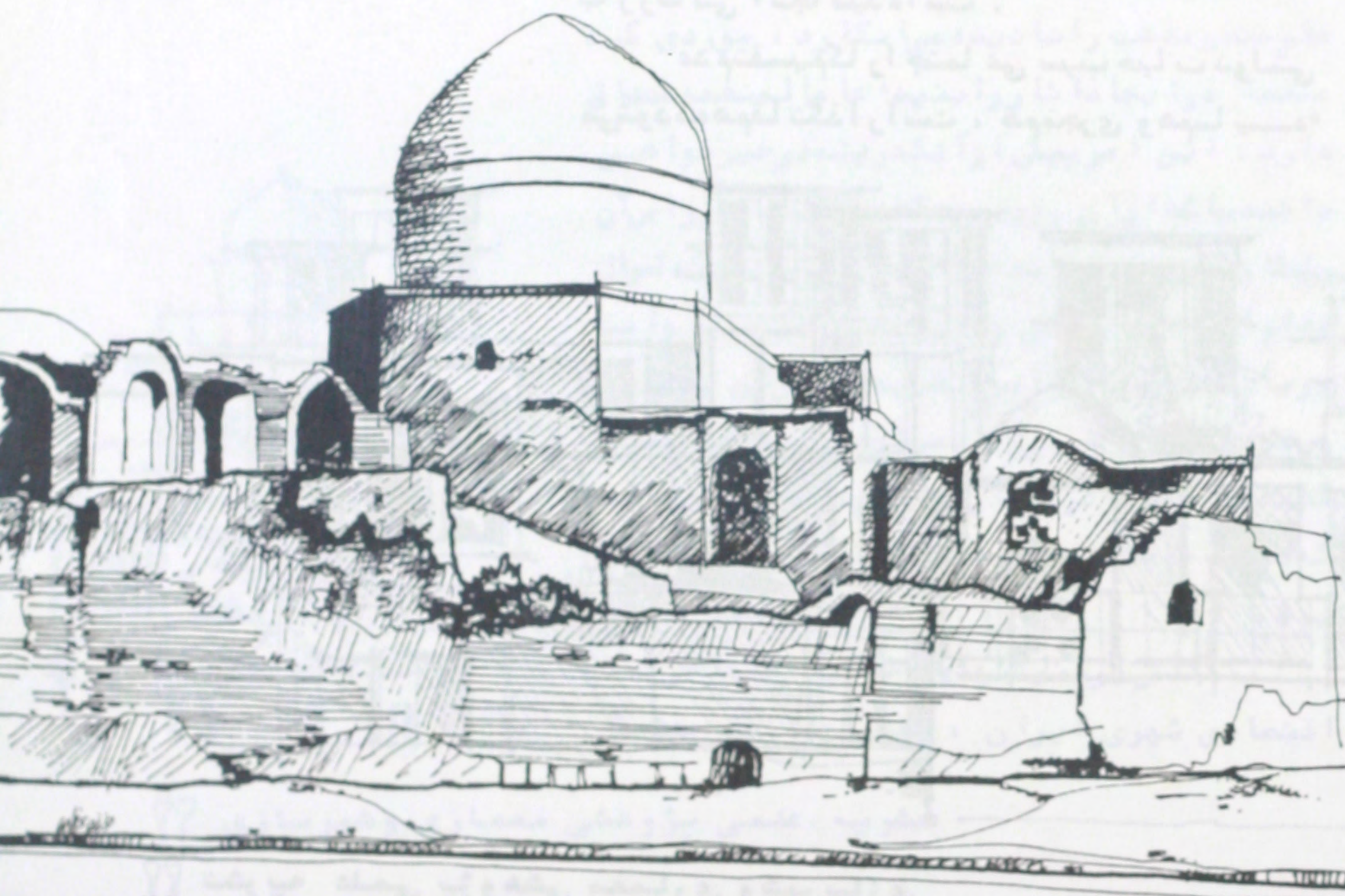
نگاهی به مفهوم شهر در ایران

دکتر سید محسن حبیبی

ادراک از شهر سنتی در ایران و تعبیری که از این شهر نزد خاورشناسان اروپائی قرار دارد، سبب می‌گردد تا کنکاش تاریخی در متون قدیم و در فضاها ی ساخته شده سنتی اهمیت خاصیابد.

وجود دولتی که هم‌قانون‌گذار است، هم مجری و هم سایه‌خدا بر زمین موجود اصلی شکل-گیری شهر دیوانی - نظامی است که گستره خوش را تا بسیار دورتر از فرا سوی دیوارهای پیش می‌گستراند و در رابطه با روستاها ی منظومه‌اش نقش تولیدمکملی را بازی می‌کند.

پس ما مواجه با نظامی هستیم که نه از نظام روستائی جدا شده و نه برتر از آن است و مفهوم آن را نیز نمی‌توانیم در چارچوب کالبدی و در درون حصارهای ذهنی و یا عینی آن خلاصه کنیم، نظام شهری چون نظام روستائی در گستره‌ای منطقه‌ای عمل کرده و هر دو تابع نظامی فرا تر هستند که عملاً "مجموعه‌ای همبسته با نوعی زندگی منطقه را شکل می‌بخشد و از این روستا می‌توان نظریه وجود "کانونهای شهری و "یا منظومه‌های شهری" و "یا منطقه شهری" در ایران را برای تعریف شهر درون آن پذیرفت.



● قبل از ورود به بحث لازم است روشن شود که چه ادراکی از شهر "سنتی" و ریخت‌شناسی آن داریم؟ این ادراک عبارت است از فضائی "بسته" و "در خود" با میدانی در میان که در پیرامون آن ساختمانهای حکومتی و مذهبی قرار دارند و دهانه اصلی بازار به آن بازمی‌شود. بازار به گونه "خطی" در شهر گسترش پیدا کرده و "استخوانبندی" اصلی شهر از این "ستون فقرات" جدا می‌شود. هرگز در مسیر خویش به یک هسته مرکزی می‌رسد که مرکز سلول حیاتی شهر، یعنی "محله" را شکل می‌بخشد. لازم به یادآوری است که چنین ادراکی عمدتاً به شهرهای ساخته شده در دوران صفوی بازمی‌گردد که خود از روی سازمان کالبدی دوران بویه تقلید شده بودند و در دوران قاجار توسعه یافتند.

این توصیف نزد بسیاری از خاورشناسان غربی و آنان که تصور تکامل تمدن انسان را در چهارچوب تطور اروپائی آن می‌بینند، به گونه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

(۱) همجواری دو قدرت مذهبی و حکومتی حاکی از نوعی تضاد است که به دوگانگی جامعه شهری ختم می‌شود و جامعه دوگانه (Dualiste) شکل می‌گیرد.

(۲) این همجواری تقابل دو گونه حکومت، یکی قانونی و ازلی (مذهب) و دیگری غیرقانونی و غاصب (دولت) است.

حال آنکه بانگش تاریخی می‌توان دریافت که هر دوی این موارد، لااقل در خصوص ایران، مورد تردید هستند. چه این گونه همجواری شهری نه بطور اتفاقی، که دقیقاً با امتزاجی روشن از حکومت و مذهب در قالب شکلی واحد عرضه می‌شود. همجواری بناهای دولتی و مذهبی در شکل معین تعریفی است که از زمان سلجوقیان بزرگ و با نظریه، نظریه پردازانی چون امام محمد غزالی

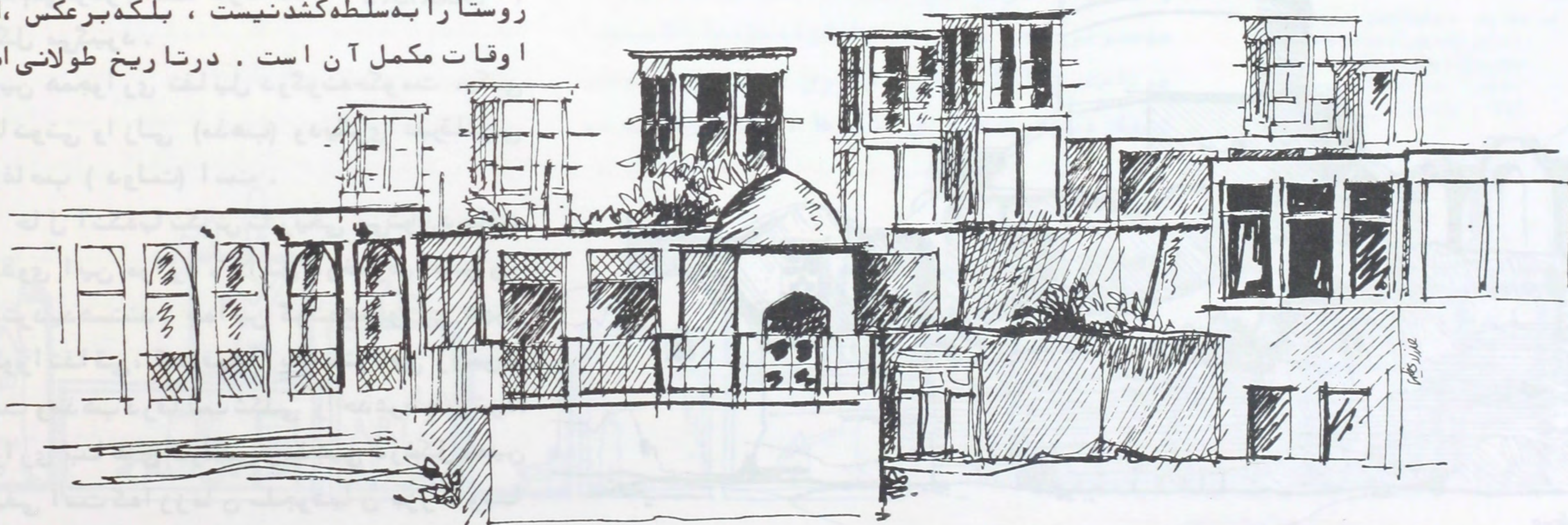
وخواه نظر مالک از دولت و مذهب ارائه گردید و در زمان صفویان به اوج خود رسید. در این تعریف سلطان نه تنها صاحب زمین و هرچه در آنست، که سایه خدا بر زمین نیز هست این اعتبار که به نوعی از شیوه زیست و تولید در این دیار نظر دارد به کلی با آنچه که در غرب (اروپا) اتفاق افتاده متفاوت است. پس شهر نیز چون بیان فضائی و کالبدی چنین شیوه زیست و تولید سیمائی دیگرگونه می‌باشد و لذا تبیینی دیگر را می‌طلبد.

در این شیوه، کشا و رزی، بازرگانی و صنعت، که همگی به وسیله دولت هدایت می‌شوند، نه تنها در مقیاس شهر و ده و منطقه، که در دل هر خانواده نیز به یگانگی و عدم تقسیم کار اجتماعی می‌رسند. تقسیم جمعیت به اجتماع‌های کوچک کم‌یا بی‌ش "خودالقاء"، "مستقل" و "در خود" مانعی مهم در سر راه تولید شهر به مفهوم غربی آنست مفهومی که مبادلات کالایی بین دو جامعه شهری و روستائی و شیوه زیست و تولید ناشی از آن برای همیشه به تقسیم کار اجتماعی بین کشا و رزی، صنعت و بازرگانی انجامیده است.

عدم تقسیم کار اجتماعی سبب حیات دولتی می‌شود که هم‌زمان گذار است، هم‌مجری و هم‌سایه

خدا بر زمین، و چنین دولتی است که شهر را بنیان می‌نهد و به شهرهای اداری - دیوانی جان می‌دهد. این شهر به هیچ وجه در تقابل با روستاهای اطراف خود نیست و عدم تقسیم ناقص کار اجتماعی تنها بدان مقیاسی بزرگتر از روستا بخشیده است. درست است که ارزش افزوده روستاهای اطراف به وسیله شهر جمع می‌شود و باج و مالیات از سوی شهر بر روستاها جاری است، ولی گرفتن مالیات و باج از درون شهر نیز با شدتی نه‌کمتر از روستاها در جریان است. راست است که شهر در مقابل این باج‌ها چیزی به روستا باز نمی‌گرداند، ولی خود شهر نیز در مقابل خراجی که می‌پردازد - نظیر به اینکه هر محله شهر ملزم به پرداخت مقرری سالانه است و باز از این شرایط خاص خود را دارد - چیزی به دست نمی‌آورد. همه باج خواهی در کف دولت قرار دارد و هر مکانی خواه شهر و خواه روستا خراج‌گذار آن است.

در شهر ایرانی از دیرباز دو بخش بازرگانی و صنعت شکل یافته است، ولی هر دو این بخش‌ها تحت سلطه دولت و از قبل آن تیولدارانی قرار دارند که محل سکونت اصلی خود را در شهر انتخاب کرده‌اند. بنا بر این شهر نه تنها رقیبی که روستا را به سلطه کشد نیست، بلکه برعکس، اغلب اوقات مکمل آن است. در تاریخ طولانی ایران،



شهر هرگز از سوی روستاهای اطراف خود مورد تهدید قرار نگرفته است. هر زمان که شهر به وسیله فاتحان گشوده گردیده، روستاهای واقع در حوزۀ نفوذ آن بی هیچ مقاومت و یا مقاومتی اندک تسلیم گشته اند. این بدان معنی نیست که در مخالفت با شهر چنین اقدامی کرده اند، چه شهر از تبار خود آنهاست، بلکه از آن روی است که دفاع از خود را نیز به شهر و اگذارده اند.

در حقیقت، نظام اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی حاکم در ایران که در فضا و مکان به خود تبلور می بخشد، کاملاً با آنچه که در نظام فئودالی غربی جریان دارد متفاوت است. از همین روی برخی از محققان غربی برای اعتقادند که - چنین نظام اجتماعی - اقتصادی شهری، نظامی جدید است که نه از گونه روستائی جدا شده و نه از آن برتر است. شهر و روستا در دل این نظام به گونه ای بس ظریف به یکدیگر بسته شده و در دل فرایند تولیدی نیروهای اجتماعی جمع شده اند. گویانکه از نظر شکلی و ریختی نشانگر دو موقعیت متفاوت هستند.

این تفسیر تا حدودی که از وابستگی تنگاتنگ شهر و ده سخن می گوید درست است، ولی به محض آنکه چنین نظامی را به عنوان نظامی جدید قلمداد می کنند مورد تردید قرار می گیرد، زیرا: یکم: جدید بودن نظام از آنجائی می شود که این نظام با انواع غربی و به خصوص اروپائی آن سنجیده می شود که در آنها تحول اجتماعی - اقتصادی را در پنج دوره مطلق می کنند و از این راه در دوره ای مشخص به تضاد و تقابل بین شهر و روستا می رسند.

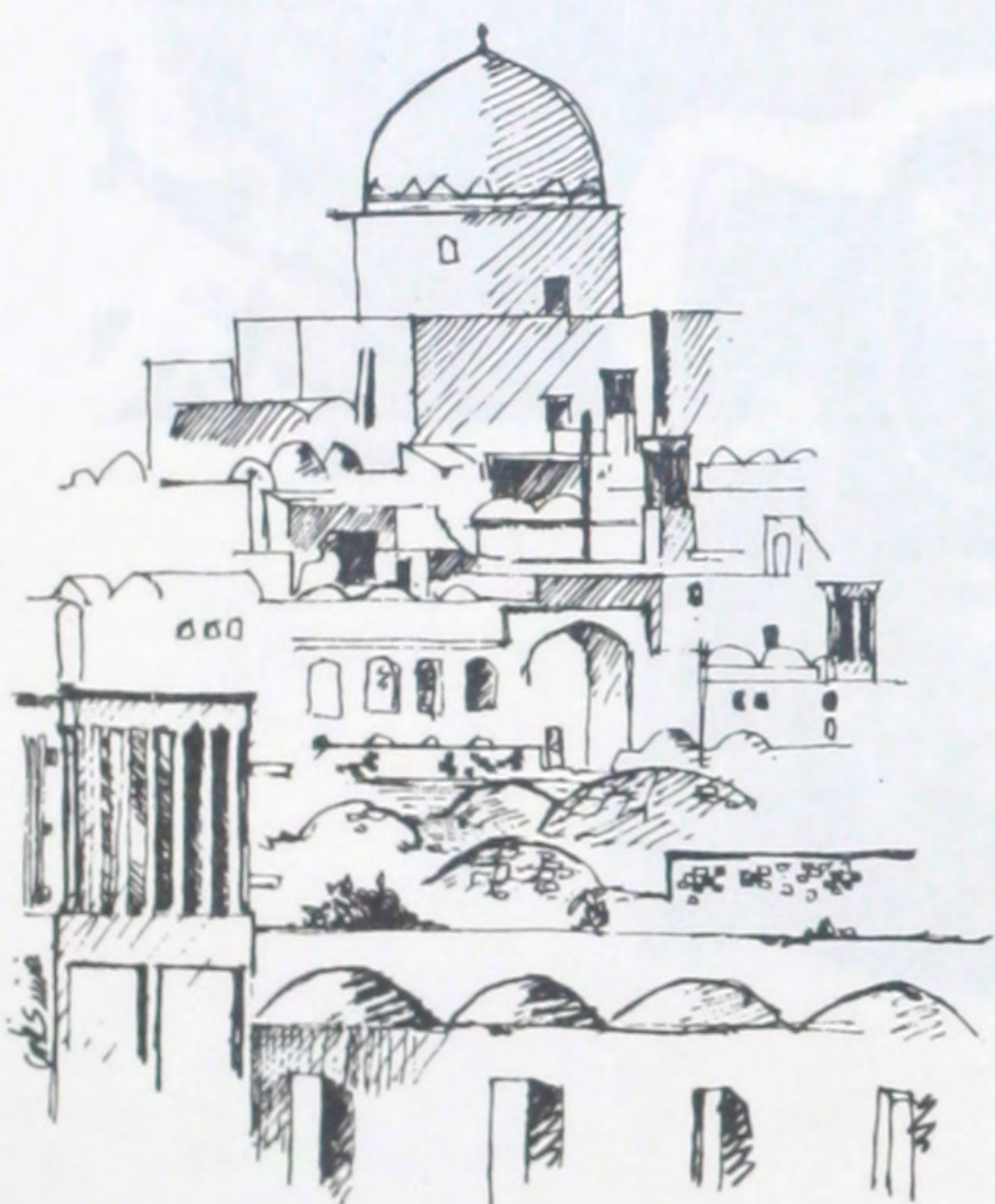
دوم: موردی که این روزها شیوعاً می افتد است به خصوص در نگرش به نظام زیست و تولید - آفریقائی و در آن صحبت از جامعۀ "دوگانه" (Dualiste) می شود و در نهایت به

نظریهء همجواری فضاها یا فضا های همجوار (Espace Juxtaposé) منجر می شود.

این محققان آنچه را از یاد می برند که ما بدان تجمیع و یا وحدت اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شهر و روستا قبل از ورود ایران به بازار جهانی کار (جنگ جهانی اول) و به خصوص قبل از نقش با معنای آن در تقسیم جهانی کار (کودتای ۱۳۳۲)، نام نهاده ایم. این یگانگی بی هیچ تردید چنان را بطه و کشت چند سویدهای را بین شهر و روستا ایجاد کرده که در تقابل با "تضاد تاریخی شهر - روستا" مطرح در غرب قرار گرفته است. نظریهء دیگری می گوید: "شهر ایرانی تا پایان قرن نوزدهم میلادی به وسیلهء اشراف و بازرگانان تجهیز می شد و اینان بخشی از سرمایه خود را در ساختن آثار عام المنفعه برای محلهء خود صرف می کردند. این شهر مجموعه ای از محلات بود که همسایگی بین آنها کم یا بیش پیمانی عرفی و کمتر قانونی، از طریق دولت برقرار می شد."

نظریهء مذکور این نکته را که اشراف و بازرگانان همان تیولداران و مقطعان وابسته به دولت هستند را از یاد می برد، همان گونه که متزاج و ذوب حکومت و مذهب را نادیده می نگارد، موردی که مشخصاً در ایجاد آثار و ابنیهء عام المنفعه مصداق دارد. این امر بیش از آنکه ریشه در خیرخواهی داشته باشد از آن روی بود که دولت و در رأس آن سلطان می توانست نه تنها تیول را بردارد که اموال و دارائی های شخصی را نیز مصادره کند. و اما دربارهء آنچه که در این نظریه به عنوان پیمانی عرفی و کمتر قانونی یاد می شود، می توان چنین گفت که پیمان عرفی از آن سبب مصداق می یافت که دولت خود مجری بی قانونی دایمی و فراگیر بود.

کنکاش در بنیانهای زندگی اجتماعی - اقتصادی شهری ایران، یعنی چهار رکن مذهب،



با این تاکید که این پذیرش نه مانع از قبـول
تفاوت های زندگی شهری و روستائی خواهد بود و
نه تفاوت های کالبدی و اقلیمی آنها را از نظر
دور خواهد داشت ●

کتابشناسی :

اشرف ، احمد . "ویژگی های تاریخی شهرنشینی در
ایران دوره اسلامی" ، نامه علوم اجتماعی ، ۴ ،
دوره اول ، تیر ۱۳۵۳ .
جمال زاده ، سید محمد علی . گنج شایگان ، کتاب
تهران ، ۱۳۶۲ .
کاتوزیان ، محمد علی . اقتصاد سیاسی ایران ،
از مشروطیت تا سقوط رضا شاه ، ترجمه محمد رضا
نقیسی ، تهران ، پاپیروس ، ۱۳۶۶ .
لمبتون ، آن . نظریه دولت در ایران ، ترجمه
چنگیز پهلوان ، تهران ، کتاب آزاد ، ۱۳۵۹ .

Amin Samir : Le développement
inégalé , Paris , minuit. 1973
Foucault Michel: Les Mots et les
choses , Paris , Gallimard , 1966
Hall Edward : La dimension
cachée , Paris, Points, 1978
Lacost Yves : Géographie du sous
- développement, P.U.F. 1976
Vieille Paul: La Féodalité et
l'Etat en Iran , Anthropos, 1975

دولت ، اصناف و امت ، که هر یک نقشی خاص خود
در تبلور کالبدی فضا داشته است ، نشانگر تفاوت های
عمده بین این مبانی و پایه های زندگی شهر
اروپائی است . شهری که بنا به نظریه های مشخص
" از قبیل روستا میزید و در آنجا ست کمارزش افزوده
کشاوری روستائی با نتیجه کار صنعت گران
مبادله می شود ، و هیچ چیز به روستا بازگردانده
نمی شود . مبادلات تنها بین شهرهاست که صورت
می پذیرد " .

این نظریه ها در مورد ایران مصداق پیدا
نمی کنند زیرا اصولاً " یا به روابط چندسویه بین
شهر و ده و وحدت فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی
آنها و عدم تقسیم کار اجتماعی در ایران بهانه می دهند
و یا کم بها می دهند و از آن راه ، یک کار ساده کردن
" مفهوم شهر " در جهان را طلب می کنند . شواهد
تاریخی فراوان در دست داریم که نشانگر آن
هستند که شهرها وظایف روستائی داشته و نیز
بسیاری از روستاها برخی از وظایف شهری را انجام
می داده اند . حتی امروزه نیز شاهد چنین پدیده ای
هستیم .

بنابراین و نظریه آنچه که آمد ، "مفهوم شهر"
در ایران را نمی توان در چهارچوب کالبدی و
درون دیوارهای ذهنی یا عینی آن خلاصه کرد ،
چه شهر در محدوده ای بسیا وسیع تر و در گستره ای
منطقه ای عمل می کند و خود تابع نظم با لاتراست .
لازم است که به جای تصور شهر و ده به عنوان دو پدیده
جدا از هم و متقابل ، به مجموعه ای همبسته بانوعی
زندگی منطقه ای اندیشید و مناطق زیستی را در
معنای واقعی و تاریخی آن به کار گرفت . درست
است که شهر " سنتی " فضائی " بسته " و " در خود "
هست ، ولی محدوده زیستن و فعالیت های این
" فضای بسته " در حدی بسیار فراتر از دیوار -
هایش قرار دارد و به این سبب است که می توان نظریه
وجود " منطقه های شهری " در ایران را پذیرفت ،